

ارتباط اقتصاد و منافع ملی

با سیاست خارجی



روح...سوری

کارشناس مسائل بین‌الملل

اگر یک تفاوت میان جبهان پس از فروپاشی شوروی و جهان پیش از آن وجود داشته باشد آن تفاوت برجسته شدن مولفه اقتصاد و رقابت اقتصادی در میان واحدهای نظام بین‌الملل است. در واقع امر رقابت دولت‌ها در عصر پسا جنگ سرد بیش از آنکه بر حوزه نظامی و به کارگیری قدرت نظامی متمرکز شده باشد به حوزه اقتصاد شیفت پیدا کرده است و کشورها به کارگیری اهرم‌های اقتصادی را برای دستیابی به منافع ملی خود در اولویت قرار داده‌اند. به همین خاطر امروزه هر کشوری که از قدرت اقتصادی بیشتری در مقایسه با رقبای خود برخوردار باشد به همان اندازه نیز در تأمین منافع ملی خود موفق‌تر خواهد بود. برخلاف ضرب‌المثلی که در میان ما ایرانیان رایج است و اینکه هر که بامش بیش برفش بیش، باید اعتراف کرد که در صحنه بین‌الملل کنونی هر آنکه اقتصادش بزرگ‌تر است قدرت و احترامش نیز در سطح بین‌الملل فرونتر خواهد بود. در دسترس‌ترین نمونه برای اثبات این مدعا مقایسه دو کشور کره جنوبی و کره شمالی است. کشورهایی که هر دو از یک مردم با یک فرهنگ تشکیل شده‌اند اما یکی اکنون در جایگاهی قرار دارد که تولیدات صنعتی آن در سراسر جهان عرضه کرده و دیگری در حالی که موشک‌های بالستیک و قاره پیما به قضا بر تاپ می‌کند از مردمش می‌خواهد برای مقابله با کمبود مواد غذایی به تولید کود انسانی مشغول شوند و هر شهروندی که در این امر خطیر مشارکت نداشته باشد با محدودیت‌هایی از جانب دولت مواجه خواهد شد. مثال کره شمالی به ما می‌گوید که نمی‌توان از کشوری که سهم ناچیزی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده انتظار کنش مندی فعالانه در عرصه جهانی را داشت. به همین خاطر هم باید گفت که در کشوری چون ایران با داشتن سهمی کمتر از یک درصد اقتصاد جهانی سخن گفتن از تعیین دستورات جهانی یا خود فریب است یا عوام‌فریبی. حال با وقوف به اهمیت اقتصاد در روابط بین‌الملل پرسشی که باید مطرح نمود این است که ارتباط میان منافع ملی و اقتصاد چه می‌تواند باشد. مورگنتا منافع ملی را چراغ راهنمای سیاست خارجی ذکر کرده است. ممکن است شاید مدعی شوند که منافع ملی مفهومی انتزاعی و گمراه کننده و به واقع گنگ‌ترین مفهوم در روابط بین‌الملل است چرا که همه دولت‌ها و سیاستمداران، سیاست‌های اتخاذی خود را در جهت منافع ملی تفسیر می‌کنند. از این نظر ج.ا. انیز برخلاف نظر منتقدان، سیاست‌های همچون حضور در سوریه و عراق، حمایت از حزب... و حوثی‌های یمن و تلاش برای نزدیک شدن به مرزهای اسرائیل را کاملاً همسو با منافع ملی خود در نظر می‌گیرد. اگر بخواهیم همچون ذهنی‌گرایان به مفهوم منافع ملی بنگریم شاید نتوانیم مبنایی قابل اتکا برای آن پیدا نماییم چرا که در این دیدگاه، منافع ملی همان چیزی است که از هزات‌وزی بوروکراسی و لایه‌های تصمیم‌گیری کشورها بیرون می‌آید. اگرچه می‌توان با بخشی از این نوع نگاه به منافع ملی موافق بود و قائل به این بود که منافع ملی را بیش از هر چیز روند تصمیم‌گیری کشورها تعیین می‌کند اما مشکل آن در این دیدگاه، منافع ملی می‌تواند به مفهومی ملحق در هوا تبدیل می‌کند که دیگر از معنا تهی خواهد بود. بنابراین اگر بخواهیم هم‌راستا بودن یا نبودن سیاست‌های یک دولت را با منافع ملی به ارزیابی بنشانیم لازم‌ر باید به دنبال مبنایی نیز برای آن باشیم که از آن قابل تمیز و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مبنای آن منافع ملی هر کشوری موضوع اقتصاد و تأثیر سیاست بر اقتصاد کشورها باشد. شاید در گذشته منافع ملی بیشتر با امنیت نظامی گره خورده بود اما امروزه به جرات می‌توان گفت که منافع ملی مساوی با اقتصاد است و از این رو هر سیاستی را باید با خط کشی اقتصاد مورد سنجش قرار داد. حتی امنیت نظامی را نیز باید با رویکرد هزینه - فایده اقتصادی مورد تحلیل قرار داد. اینکه آیا سیاست‌های امنیتی کشورها با توجه به هزینه‌هایی که برای آن شده است و با توجه به هزینه‌هایی که می‌تواند در پی داشته باشد قابلیت توجیه دارد یا خیر و اینکه سیاست‌های امنیتی چه تأثیری بر چشم‌انداز اقتصادی یک کشور بر جای خواهد گذاشت و آیا تأمین اهداف امنیتی را می‌توان از مسیرهای جایگزین (به هزینه‌های کمتر) پیش برد یا خیر، اینها سوالاتی هستند که در ارزیابی سیاست‌های امنیتی و نظامی هر کشوری باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین مهم‌ترین مفهومی که می‌توان و باید سیاست خارجی ایران و هر کشور دیگری را از منظر آن به قضاوت نشاند موضوع اقتصاد و قراردادن سیاست خارجی در ترازوی است که یک کفه آن اقتصاد است.

نگاه

سیاست خارجی، نیاز مند اجماع گفتمانی

ادامه از صفحه یک / با این وجود تأسف بار این است که برای برخی که پیش از منافع ملی، دل در گرو منافع جناحی، گروهی و حتی فردی دارند، همین سیاست‌ها زمانی که از سمت جناح مقابل ایران می‌شود، خیانت، وطن فروشی، وادادگی در برابر غرب و... تلقی می‌شود، اما حال که از سوی جناح خودی به کار گرفته می‌شود، سراسر حکمت آمیز و در جهت منافع ملی تعبیر می‌شود. البته در مقطع کنونی باید توجه فراوان جناح مقابل از پای ننشستند و با پررنگ کردن مشکلات و نقاط ضعف سفرهای خارجی مقامات فعلی کشور مان می‌کشوند تا کارآمدی، بلابلدی و بی‌تجربگی آنها را به رخ بکشند و دیپلمات‌ها و مذاکره کنندگان کشور را ضعیف و توانی اعتماد جلوه دهند. غافل از اینکه در هر دو مقطع (دولت قبلی و دولت کنونی) کشورها رقیب و دشمن با همتاهای داخلی، معوضشان از آویز تکرر و در سخت‌گیری و تکیه بر روابط غیر منطقی‌شان در قبال ایران می‌افزایند. معضلی که دود آن به طور مستقیم به چشم ملت ایران می‌رود و بار فشارهای مضاعف بر آنها را سنگین‌تر می‌کند. نکته قابل تأملی که در اینجا وجود دارد و یکبار برای همیشه باید سر آن به توافق برسیم این است که به دلیل حساسیت‌های خاص عرصه سیاست خارجی و تأثیرات گسترده و مستقیم آن روی منافع، امنیت و اقتصاد و معیشت کشور، این حوزه باید در محدوده خط قرمز تسویه حساب‌های سیاسی قرار بگیرد و به هیچ عنوان به عرصه‌ای برای جولان برنامه‌ها و بازی‌های سیاسی و جناحی تبدیل نشود. کشور ما در سال‌های اخیر تحریم‌ها و مشکلاتی بی‌سابقه‌ای را متحمل شده و این امر هزینه‌های زیادی برای مردم ایران داشته است؛ بنابراین در مقطع کنونی اولویت همه دلسوزان مردم و کشور باید رفع این تحریم‌های ظالمانه و بازگرداندن کشور به مسیر تعامل طبیعی با جهان خارج باشد. این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه ما بتوانیم در عرصه داخلی خود طرحی جامع گفتمانی برپا یمن بسیاری از مسائل به ویژه در حوزه جهتگیری‌های سیاست خارجی برسیم. در شرایطی که توازن و سلسله مراتب قدرت در عرصه بین‌المللی نسبت به سال‌های اولیه انقلاب اسلامی تا حدودی متحول شده و اصل «نه شرقی – نه غربی» نیز با ما و اگرچه داخلی مواجه گردیده، لازم است تصمیم سازان عرصه سیاست خارجی کشور با مشورت و همفکری عقلای جامعه و متخصصان و کارشناسان زبده دلسوز از همه طیف‌های سیاسی، پیرامون جهتگیری‌ها و ابزارهای سیاست خارجی و نحوه تعامل موفق با جهان به یک اجماع جدید برسند و اصولی را مطرح و مشخص کنند که هم جوگیرگی نیازهای ایران امروز باشد و هم ریشه جناح بازی در عرصه سیاست خارجی را بپخش‌کنند.

آلبرت بغزبان در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

ازپول‌های آزاد شده سوءاستفاده نشود

مراقب گرفتار شدن در تله بدهی چین باشید

پول‌های ناشی از برجام و قرارداد ایران و چین نیاز به مدیریت دارد

دولت در مرحله ادعاقرار دار دنه عمل

در دوران وفور هم نتوانسته‌ایم اقتصاد را مدیریت کنیم

جرات بستن قرارداد های بین‌المللی بیشتر شده است

در زمینه تحقق منافع ملی در قرارداد با چین و روسیه نگرانی داریم



آرمان ملی – احسان انصاری: اگر مذاکرات وین به نتیجه برسد و بین ایران و کشورهای غربی توافق صورت بگیرد، تحریم‌های ایران برداشته می‌شود و پول‌های بلوکه‌شده ایران در برخی کشورها نیز آزاد خواهد شد و در نتیجه گشایش‌های مهمی در اقتصاد کشور رخ خواهد داد. این در حالی است که فواید اقتصادی قرارداد ایران و چین نیز وجود دارد و ممکن است اقتصاد ایران با پول هنگفتی ناشی از برجام و قرارداد ایران و چین مواجه شود. سؤال اینجاست که در چنین شرایطی این پول چه تأثیری می‌تواند بر اقتصاد کشور بگذارد؟ آیا می‌توان مشکلات اساسی اقتصاد کشور را حل کرد؟ «آرمان ملی» در این زمینه با دکتر آلبرت بغزبان اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. بغزبان معتقد است: «برگرداندن پول‌های بلوکه‌شده ایران و تزریق آن به اقتصاد کشور به همراه تأمین مالی پروژه‌ها با پول تازه نفوس و جدید روی اقتصاد کشور تأثیر مستقیم دارد. با این وجود مدیریت این پول‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر اقتصاد ایران را یک کودک در نظر بگیریم این پول هم می‌تواند این کودک را لوس بار بیاورد و هم اینکه می‌تواند به خوبی این کودک را تربیت کند و زمینه‌های تعالی و رشد آن را فراهم کند. تجربه تاریخی نشان داده که ما در دوران وفور نیز نتوانسته‌ایم به خوبی اقتصاد کشور را مدیریت کنیم. نباید اجازه داد تجربیات تلخ گذشته در این زمینه تکرار شود و به جای اینکه این پول مشکلات اقتصادی را حل کند و به تولید کشور تزریق شود مورد سوءاستفاده برخی در راستای منافع شخصی قرار بگیرد. در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی

قرارداد ایران با چین و روسیه را چه

می‌دانید؟ بستن چنین قراردادهایی

به چه میزان می‌تواند به اقتصاد کشور

کمک کند؟

جرات کشور برای بستن قراردادهای

بین‌المللی بیشتر شده و

این نکته به خوبی

در قرارداد با چین و

روسیه مشاهده می‌شود.

باین وجود نباید از این نکته

غفلت کرد که کشوری که

ما با آنها قرارداد بسته‌ایم

متخصص قرارداد است.

نگرانی من از همین

موضوع است که اگر با

چنین کشورهایی قرارداد

همکاری بسته می‌شود باید

هوشیار باشیم که منافع

ملی به خوبی حفظ شود.

البته برخی در این زمینه

حاشیه‌سازی‌هایی می‌کنند

که مبتنی بر واقعیت نیست.

به عنوان مثال عنوان می‌کنند ایران در قرارداد

با فلان کشور جزیره کیش را واگذار کرده است.

این گونه شایعات هیچ گونه پایه و اساسی ندارد

و نباید مورد توجه قرار بگیرد. آن چیزی که

باعث دامن زدن به چنین شایعاتی شده است

سکوت رسانه‌ای و عدم انتشار جزئیات این

تفاهم‌نامه است. به صورت طبیعی در چنین

شرایطی شایعات درست می‌شود و مرتب

شاخ و برگ بیشتری می‌گیرد. روسیه از نظر

تکنولوژی و صنعت در شرایطی نیست که

بتواند به ایران کمک کند. این در حالی است که

چین مدعی است و در این زمینه دستاوردهای

مهمی نیز داشته است. کمک روسیه به ایران

بیشتر می‌تواند در موضوع برجام و همچنین

امنیت منطقه خاورمیانه باشد و نمی‌توان

از این کشور انتظار داشت از نظر اقتصادی و

تکنولوژی به ایران کمک کند. ما باید از طرف

مقابل انتظاراتی متناسب با توانایی‌هایی که

دارد داشته باشیم. این وضعیت درباره چین

مفتاوت است و چین می‌تواند تکنولوژی و

بازار خوبی در اختیار اقتصاد ایران قرار بدهد.

اگر ما تلاش کنیم می‌توانیم به واسطه کمک

که چین به ایران می‌کند بازار کشورهای شرق

آسیا را به دست بگیریم و بتوانیم از این راه

برخی از مشکلات خود را حل کنیم. درجه

هوشیاری ایران در بستن این گونه قراردادها

حائز اهمیت است که قراردادهایی بسته شود

که اگر کار به دادگاه‌های بین‌المللی کشید

در نهایت به سود ایران تمام شود. متأسفانه

در قراردادهای خارجی به اندازه‌ای ضعف

داشته‌ایم که برخی از کشورها بدون پرداخت

غرامت قرارداد خود را لغو و ایران را ترک

کردند. نمونه بارز این موضوع قرارداد های

ایران و فرانسه در زمینه خودرو بوده است. پس

از آغاز تحریم‌های ایران توسط آمریکا شرکت

پژو و فرانسه و آل‌جی کره جنوبی ایران را ترک

کردند و هیچ غرامتی نیز پرداخت نکردند. این

اتفاق نشان می‌دهد ما نتوانسته‌ایم این کشورها

را مقید به قراردادهایی کنیم که در صورتی که به

تعهدات خود عمل نکنند بتوانیم از آنها خسارت

بگیریم. نکته جالب این است که کره جنوبی

پس از مدتی پول‌های ایران را نیز در بانک‌های

خود بلوکه کرد و آنها را پس نداد. این وضعیت

نشان می‌دهد که زمانی که این گونه قراردادها

بسته می‌شد خودرو و ساز و شرکت تولیدکننده

لوازم خانگی ما موفق نشده قراردادی ببندد

که در صورت لزوم از طرف مقابل خسارت

دریافت کند.

یکی از نگرانی‌هایی که کارشناسان

نسبت به قرارداد ایران و چین دارند این

است که در قرارداد ایران و چین اتفاق

پاکستان برای ایران

رخ بدهد و ایران در

تله بدهی گرفتار شود.

تله بدهی که در نهایت

می‌تواند در شرایط سخت

اقتصادی به وادادگی

سیاسی نیز منجر شود.

چگونه می‌توان از این

خطر جلوگیری کرد؟

واقعیت این است که اگر ما

در بستن چنین قراردادهایی

غفلت کنیم این اتفاق رخ

خواهد داد. هنوز مشخص

نیست که آیا قرار است

تکنولوژی از چین به ایران

انتقال پیدا کند و در مقابل ما

پول را از پرداخت می‌کنیم؟

آیا قرار است بانک‌های چینی به ما قرض

بدهند؟ آیا قرار است چین به ایران پول بدهد

این گونه شایعات هیچ گونه پایه و اساسی ندارد

و نباید مورد توجه قرار بگیرد. آن چیزی که

باعث دامن زدن به چنین شایعاتی شده است

سکوت رسانه‌ای و عدم انتشار جزئیات این

تفاهم‌نامه است. به صورت طبیعی در چنین

شرایطی شایعات درست می‌شود و مرتب

شاخ و برگ بیشتری می‌گیرد. روسیه از نظر

تکنولوژی و صنعت در شرایطی نیست که

بتواند به ایران کمک کند. این در حالی است که

چین مدعی است و در این زمینه دستاوردهای

مهمی نیز داشته است. کمک روسیه به ایران

بیشتر می‌تواند در موضوع برجام و همچنین

امنیت منطقه خاورمیانه باشد و نمی‌توان

از این کشور انتظار داشت از نظر اقتصادی و

تکنولوژی به ایران کمک کند. ما باید از طرف

مقابل انتظاراتی متناسب با توانایی‌هایی که

دارد داشته باشیم. این وضعیت درباره چین

مفتاوت است و چین می‌تواند تکنولوژی و

بازار خوبی در اختیار اقتصاد ایران قرار بدهد.

اگر ما تلاش کنیم می‌توانیم به واسطه کمک

که چین به ایران می‌کند بازار کشورهای شرق

آسیا را به دست بگیریم و بتوانیم از این راه

برخی از مشکلات خود را حل کنیم. درجه

هوشیاری ایران در بستن این گونه قراردادها

حائز اهمیت است که قراردادهایی بسته شود

که اگر کار به دادگاه‌های بین‌المللی کشید

در نهایت به سود ایران تمام شود. متأسفانه

در قراردادهای خارجی به اندازه‌ای ضعف

داشته‌ایم که برخی از کشورها بدون پرداخت

غرامت قرارداد خود را لغو و ایران را ترک

کردند. نمونه بارز این موضوع قرارداد های

ایران و فرانسه در زمینه خودرو بوده است. پس

از آغاز تحریم‌های ایران توسط آمریکا شرکت

پژو و فرانسه و آل‌جی کره جنوبی ایران را ترک

کردند و هیچ غرامتی نیز پرداخت نکردند. این

اتفاق نشان می‌دهد ما نتوانسته‌ایم این کشورها

را مقید به قراردادهایی کنیم که در صورتی که به

تعهدات خود عمل نکنند بتوانیم از آنها خسارت

بگیریم. نکته جالب این است که کره جنوبی

پس از مدتی پول‌های ایران را نیز در بانک‌های

خود بلوکه کرد و آنها را پس نداد. این وضعیت

نشان می‌دهد که زمانی که این گونه قراردادها

بسته می‌شد خودرو و ساز و شرکت تولیدکننده

خارجی به همراه پول‌هایی که از قرارداد

ایران و چین به ایران می‌رسد این احتمال

وجود دارد که به یک‌باره پول هنگفتی وارد

اقتصاد ایران شود. این پول به چه میزان

می‌تواند شرایط اقتصادی

کشور را تغییر دهد و

مشکلات را حل کند؟

آنچه مسلم است این است

که بی‌پولی به اقتصاد کشور

لطمه می‌زند. بر گرداندن

پول‌های بلوکه‌شده ایران و

تزریق آن به اقتصاد کشور به

همراه تأمین مالی پروژه‌ها با

پول تازه نفوس و جدید روی

اقتصاد کشور تأثیر مستقیم

دارد. با این وجود مدیریت

این پول‌ها از اهمیت زیادی

برخوردار است و نقشی

تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر

اقتصاد ایران را یک کودک

در نظر بگیریم این پول هم

می‌تواند این کودک را لوس

بار بیاورد و هم اینکه می‌تواند

به خوبی این کودک را تربیت

کند و زمینه‌های تعالی و

رشد آن را فراهم کند. تجربه

تاریخی نشان داده که ما در

دوران وفور نیز نتوانسته‌ایم

به خوبی اقتصاد کشور را

مدیریت کنیم. نباید اجازه داد تجربیات تلخ

خلأ اقتصادی که در زمینه ارتباط با آمریکا

یا کشورهای اروپایی وجود دارد را پر کند. به

همین دلیل ما باید تلاش کنیم این قرارداد را

به سمتی هدایت کنیم که برای هر دو کشور

بیشتر سود را داشته باشد. واقعیت این است

که با توجه به شرایط کشور نمی‌توان انتظار

اقدامات ابتکاری و معجزه از دولت برای حل

مشکلات باشیم. موضوع اصلی در این زمینه

اراده است. این سخن به این معناست که اگر

اراده وجود داشته باشد دولت می‌تواند به سراغ

فر مالیاتی برود از معافیت‌های بیجا جلوگیری

کند. اگر اراده وجود داشته باشد دولت به

سراغ شرکت‌هایی می‌رود که در بوجه دولت

را می‌دوندند یا به سراغ بانک‌های می‌رود

که به‌دکاران بزرگ بانک‌های خود نیستند. اگر اراده‌ای

وجود داشته باشد باید به دنبال واردکنندگانی

برود که بارز ۴۲۰۰ کالا وارد کرده‌اند اما با

ارز ۳۰ هزار تومان در بازار به فروش می‌رسانند.

این اقداماتی است که می‌توان در کوتاه‌مدت و

در عرض یک یا دو هفته نیز به آن رسیدگی

کرد و اصلاً به بلندمدت نمی‌رسد. اگر اراده

وجود نداشته باشد شرایط مانند دولت قبلی

می‌شود. در ششت سال گذشته همواره عنوان

شد که دولت قصد دارد بنگاهداری بانک‌ها را

کاهش بدهد تا بانک‌ها منابع مازاد را بفروشند.

بانک‌ها نیز منابع خود را به قسمت املاک

منتقل کرده‌اند. رسیدگی به این امور نیاز به

برنامه ندارد و بلکه به اراده نیاز دارد. واقعیت این

است که اراده در این دولت وجود دارد اما هنوز

ما خبری در این دولت که فلان بدهکار بزرگ

بانکی دستگیرشده و پول‌های آن نیز برگشته

مشاهده نکرده‌ایم. امروز مردم با این سؤال

مواجه هستند که اگر سلطان‌های دلار، سکه

و... را پیدا می‌کنیم و مجازات می‌کنیم پس

چرا قیمت کالاهای مورد نیاز مردم کاهش پیدا

نمی‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که هنوز

اراده کافی در این زمینه وجود ندارد.

یکشنبه

۱۴۰۰.۱۱.۱۰

۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ / ۲۳۰۵ ژانویه ۲۰۲۲

armanmeli.ir

سال پنجم

شماره ۱۲۲۱

دیدگاه

سخنی باوزیر

میراث فرهنگی و گردشگری

ادامه از صفحه یک /

به دیگر مولفه‌ها پرداخت. مثلاً آلودگی هوا که در امنیت محیطی تعریف می‌شود، شما در مهم‌ترین شهرهای خود مانند تهران، اصفهان، تبریز در سال چند روز هوای سالم دارید؟ به بحران‌های محیطی مانند سیل که هر ساله در کشور شما اتفاق می‌افتد و می‌شود جلوی خرابی‌ها آن را گرفت، کاری ندارم. از فرور یختن ساختمان‌های بلند تجاری در مرکز کشور تا باز زلزله‌هایی که به هر حال از دست شما خارج است. از آن دست گردشگرانی نیستیم که برای تفریح به دیگر کشورها می‌روند. هر تفریحی که بخواهم در کشور خود بی‌دردرس در اختیارم هست. گفتیم ایران چهار فصل است. هم الان در جنوب کشور، فصل شتا در خلیج فارس و دریای عمان است و در کوهستان ما درست مانند دره‌های آلپ اسکی برقرار است. لپ‌تاپ باز کردم و سری به سرعین زدم و آب‌های گرم و طبیعی این شهر را نشان دادم. پرسیدم کم از آب‌های گرم ویشین در کشور شما نیست. پرسید خب برای رسیدن به همین آب‌های گرم و اسکی در کوه‌های آن آیا از حمل و نقل جاده‌ای و هوایی قابل قبولی برخوردار هستید؟ اشاره به چند تصادف و زنجیره‌ای از جاده‌ها و کشته شدن مسافران نمود و آماری که هر ساله از ناحیه پلیس در خصوص تلفات جاده‌ای اعلان می‌شود. ناگهان به مسئله مهمی اشاره کرد. شما به بانک